

تاریخچه شرح منظومه و تدریس آن در ایران و جهان

محمد مهدی کمالی^۱

چکیده

بیش از دویست سال از تاریخ تألیف کتاب شرح منظومه اثر برجسته فیلسوف مهم حکمت متعالیه، حاج ملاهادی سبزواری (۱۲۸۹-۱۳۱۲ق) میگذرد. طی این دویست سال، این کتاب همواره یکی از مهمترین متون درسی حوزه‌های علمیه و مراکز فلسفی در ایران و جهان بوده و هست و هیچ اثری، چه با سبک و سیاق خود منظومه و چه با سبک و سیاقی دیگر، تا بحال نتوانسته جای آن را بگیرد. آنچه باعث شهرت و ماندگاری این کتاب شده، در درجه اول، شخصیت علمی و معنوی برجسته مؤلف آن است، و در درجه بعد، بیان مطالب در قالب نظم برای نخستین بار، جامعیت نسبت به همه مسائل، اشمال بر آراء مختلف، نوآوری و ابتکار، ایجاز غیرمخل، تدریس مکرر توسط مؤلف، تصنیف حواشی و شروح متعدد بر آن، و وجود مدرسان برجسته در طی این دویست سال. در این مقاله ضمن پرداختن به جایگاه کتاب شرح منظومه در بین آثار مشابه، و امتیازات و علل ماندگاری آن در مراکز آموزشی، گزارشی از سرگذشت این کتاب و چگونگی تدریس آن در ایران و جهان ارائه شده و مدرسین برجسته آن را در ادوار مختلف و مراکز آموزشی متعدد را معرفی نموده‌ایم.

کلیدواژگان: حکیم سبزواری، شرح منظومه، ارجوزه، تاریخچه، مدرسان، عوامل ماندگاری.

* * *

۱. استادیار پژوهشکده علوم اسلامی رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، ایران؛ kamali@islmic-rf.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۹ نوع مقاله: پژوهشی



DOR: 20.1001.1.20089589.1402.14.2.3.5

مقدمه

ارجوزه‌نگاری و منظومه‌نویسی در تاریخ علوم اسلامی، دارای پیشینه‌ی بسیار طولانی است. از آنجا که فراگیری و به‌خاطر‌سپاری مطالب مهم، سخت و دشوار است، یکی از روش‌های خوب و ابداعی پیشینیان، بنظم‌درآوردن مطالب علمی بوده است. آثار منظوم در ادبیات، فقه، اصول، منطق، حکمت، ریاضیات و سایر علوم، آنقدر زیاد است که استقراء و ذکر و بررسی آنها پژوهشی مستقل می‌طلبد.

شرح‌منظومه ملاحادی سبزواری (۱۲۸۹-۱۲۱۲ق) فیلسوف، عارف و شاعر مشهور دوران قاجار، یکی از آثار منظوم درباب منطق و حکمت است. حکیم سبزواری با انگیزه تلخیص و تنظیم مباحث منطقی و فلسفی، اهم مطالب این دو علم را بنظم درآورده و سپس به شرح موجز و مختصر آن بصورت مزجی اقدام نمود. وی متوجه این مطلب بود که آشنایی با رئوس حکمت و اقوال حکیمان، بخصوص حکمت متعالیه و آراء بلندمرتبه صدرالمتألهین، با توجه به کتابهای متداول حکمی و فلسفی، بسیار زمانبر، سخت و طاقتفرساست. اکثر این آثار، بسیار طولانی و مشتمل بر مباحث مفصل، پراکنده، تخصصی و گاه زائد هستند که کار فراگیران، بویژه محصلان ابتدایی را در آشنایی با هندسه معرفتی حکمت اسلامی، دشوار می‌کند. این کتاب تألیف شد تا خلاء فقدان یک متن آموزشی جمع‌وجور و مناسب را پر کند و درواقع دریچه‌ی به‌ورود فلسفه، قبل از خواندن کتابهای مفصل نظیر اسفار باشد. حکیم سبزواری با احاطه‌ی به مباحث حکمی داشت و با ذوق و سلیقه و قریحه شاعری، موفق به انجام این کار شد.

سبزواری در این کتاب فلسفه‌ی مشاء فارابی و ابن‌سینا را با فکر اشراق سهروردی و تصوف ابن‌عربی آمیخته و در برخورد با اندیشه‌های فخرالدین رازی، به فلسفه‌ی خود چاشنی کلام زده و افکار فیلسوفان شیعی، همچون میرداماد، صدرالدین شیرازی، عبدالرزاق لاهیجی و فیض کاشانی را مورد بررسی و نقد قرار داده و در همه موارد، اندیشه‌های معقول خود را مستند و مستظهر به منقولات شرعی و آثار ائمه معصومین علیهم السلام، نموده است (محقق، ۱۳۸۶: ۱۵).

وی ابتدا اهم مباحث حکمت و منطق را بنظم درآورد و سپس، خود به شرح آن اقدام نمود و پس از آن، بر مواردی که مشکل یا دارای ابهام بود، حاشیه نوشت. این کتاب بسرعت جای خود را در میان علاقمندان به مباحث فلسفی بازکرد و بزودی یکی از متون درسی حوزه‌ها و سپس دانشگاه‌ها گردید. بجزئیّت می‌توان گفت از بدو خلق شرح منظومه

که نزدیک به دویست سال از آن زمان میگذرد، هیچ کتابی نتوانسته از حیث روش، مبانی و جذابیت، جایگزین آن شود.

این کتاب مجموعه‌یی است حاوی دو قسمت؛ یک قسمت با نام اللثالی المنتظمه، به مباحث منطق اختصاص دارد و قسمت دوم، عصاره مباحث فلسفی حکمت متعالیه را در خود جای داده است که نام غرر الفرائد بخود گرفته است.

تاریخ نگارش شرح منظومه

حکیم سبزواری، ابتدا ارجوزه حکمت را بصورت نظم در ۱۰۴۹ بیت سرود که با این بیت شروع میشود:

یا واهب العقل لك المحامد
الی جنابك انتهى المقاصد
و به این بیت ختم میگردد:

ورّخها یراعه الفصاحه
ختامها كبدها الفلاحه

مصرع پایانی این بیت اشاره به ماده تاریخ شروع و اتمام ارجوزه دارد. این مصرع به ابجد کبیر، عدد ۱۲۴۰ را نشان میدهد و بیانگر این مطلب است که شروع سُرّایش و اتمام این مجموعه، در سال ۱۲۴۰ قمری، یعنی دو سال قبل از ورود حکیم به مشهد مقدس بوده است. تاریخ ولادت ملاهادی، ۱۲۱۲ ق است و این بدانمعناست که حکیم در ۲۸ سالگی این ابیات را سروده است.

پس از سرایش ابیات حکمت، حکیم خود به شرح آن مبادرت نموده و این مهم از سال ۱۲۴۰ ق آغاز و تا بیست و سوم رمضان المبارک ۱۲۶۱ ق، یعنی بمدت ۲۱ سال بطول انجامیده است. او خود در پایان شرح منظومه، مصرع اخیر را که ماده تاریخ شروع و ختم اصل ابیات است، ماده تاریخ شروع شرح ابیات دانسته و گفته است: مصرع اخیر ماده تاریخ شروع در تألیف منظومه است که همان سال ۱۲۴۰ است و همانا مؤلف فقیر از تسوید، این شرح در روز جمعه بیست و سوم ماه مبارک رمضان سال ۱۲۶۱ فراغت یافت (سبزواری، بی تا/ الف: ۳۶۰).

اما ارجوزه منطق که مشتمل بر ۴۹۳ بیت است و اول آن:

نحمد من علمنا بیاناً
و قارن الكتاب و المیزاناً

و آخر آن:



ان نسبة ذی صرفة المغایرة كما اتحادیتها المصادرة
 پس از منظومه حکمت و بتدریج، در خلال تحریر شرح منظومه سروده شده است.
 حکیم خود در کتاب شرح الاسماء و در مبحث مغالطات شیطانی (صفحه ۱۶۰)، برخی از
 ابیات منظومه منطوق را در مبحث سفسطه و مغالطه عیناً نقل کرده و مینویسد:
 و قد اشرت اليها فی المنظومة تسهياً للحفظ و فی نیتی ان أضيف منظومة فی
 المیزان الی الی الی فی الحکمیات، ان ساعدنی التوفیق (همو، بی تا/ب: ۱/۱۶۰).
 همچنین در شرح منظومه، در فریده خامسه، در ماهیت و لواحق آن مینویسد:
 و فی منظومتی فی المنطق، الی الی فی نیتی اتمامها ان سادنی التوفیق ذکر
 المطالب بقولی (همو، ۱۳۶۹: ۲/۳۳۱).

از مجموع این عبارات میتوان فهمید که اولاً، ابیات منطوق یکبار سروده نشده و ثانیاً،
 این ابیات پس از ابیات حکمت، و در خلال تحریر شرح منظومه حکمت، سروده شده
 است. با توجه به مصرع آخر این ارجوزه - «كما اتحادیتها المصادرة» که عدد ۱۲۶۲ را
 نشان میدهد - میتوان حدس زد که اتمام سرایش ابیات منطوق، سال ۱۳۶۲ق، یعنی
 یکسال پس از اتمام شرح قسمت حکمت بوده است. بالطبع شرح ابیات منطوق، آخرین
 قطعه جورچین این مجموعه بوده که پس از سال ۱۳۶۲ق، شروع شده و حتماً چند سالی
 بطول انجامیده است، اما پایان آن مشخص نیست.

ناگفته نماند که حکیم سبزواری پس از اتمام شرح منظومه و در خلال تدریس، موارد
 متعددی حاشیه مهم بر این کتاب نگاشته که بر غنای هرچه بیشتر این مجموعه افزوده است.

شرح منظومه و جایگاه آن در متون آموزشی

چنانکه گذشت، منظومه از ابتدای تألیف آن تا به امروز، که از آن ۲۰۰ سال میگذرد،
 همواره یکی از کتب درسی حوزه‌ها و مراکز فلسفی بوده است. علت این امر، در خور
 تحقیق و بررسی است؛ بویژه وقتی که بدانیم منظومه‌های دیگری با همین سبک و سیاق
 و با هدف جایگزینی شرح منظومه حکیم سبزواری، نگاشته شده و حتی مؤلفان برخی از
 آنها، خود از اعظام حکمت بوده‌اند. از باب نمونه به چند مورد از آنها اشاره میشود (تهرانی،
 ۱۴۰۸: ۱/۴۹۲-۴۹۰):

ارجوزة فی الفلسفة الالهیة، اثر میرزاحسین علوی سبزواری (۱۳۵۲-۱۲۶۸ق)، از

برترین شاگردان حاج ملاهادی سبزواری که با این مطلع آغاز میشود:

سبحان من ألهم اسرار الحكم
و بعد یا سلاک نهج المعرفة
أنفس الإنسان و ابداع القلم
لا علم فی العلوم مثل الفلسفة

تحفة الحکیم، اثر شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (۱۳۶۱-۱۲۹۶ق) معروف به کمپانی، که خود جامع معقول و منقول و از اعظم حکمای الهی است. وی با این اندیشه که کتاب شرح منظومه حاج ملاهادی سبزواری دارای اشکالاتی در نحوه بیان و محتوای مطالب است، منظومه‌یی شبیه منظومه ملاهادی سروده که مشتمل بر یک دوره حکمت است. این کتاب که دارای ۹۳۶ بیت است با این مطلع آغاز میشود:

یا مبدئ الکل إليك المنتهی
لك الجلال والجمال و البها

و در ادامه

و سمتها بتحفة الحکیم
معتصماً بالواهب العلیم

قسمتهایی از این اثر توسط حکیم بارع، میرزا مهدی آشتیانی شرح داده شده و شرح کامل آن در سال ۱۴۲۳ق توسط سیدمحمدحسن مرعشی شوشتری، با عنوان المنهج القویم فی شرح تحفة الحکیم نگاشته شده است.

فیض الباری فی تهذیب منظومة السبزواری، اثری که با هدف اصلاح و تکمیل شرح منظومه تألیف شد، اما نتوانست جای آن را بگیرد. مؤلف این کتاب شخصی از فضلالی نجف، بنام سیدمحمدعلی بن الحسین حسینی، مشهور به سیدهبه‌الدین شهرستانی (۱۳۸۶-۱۳۰۱ق) است که اعتقاد داشته حاج ملاهادی بدلیل اینکه عرب زبان نبوده، اشعارش ضعیف و دارای اشکال است. بهمین دلیل به اصلاح شعری ابیاتی از منظومه پرداخته که بزعم وی دارای ضعف یا رکاکت ترکیبی است و مابقی را بحال خود، باقی گذاشته است.

بعنوان نمونه بیت اول منظومه را که حاجی میگوید:

یا واهب العقل لك المحامد
الی جنابك تنتهی المقاصد
اینگونه اصلاح میکند:

یا واهب العقل لك المحامد
إلی فناك تنتهی المقاصد

شمعات العلوم، ارجوزه‌یی در حکمت الهی است از مولی محمدحسن نائینی - صاحب کتاب گوهر شب چراغ - که مشتمل بر حدود هزار بیت شعر است.



کاشف الاسرار، ارجوزه‌بی در حکمت الهی است از شیخ محمدحسن بن زین العابدین سبزواری، که با این مطلع آغاز میشود:

یا حسن الوجه و الاسم و الصفة
لسنا عرفنا لك حق المعرفة
مؤلف در سال ۱۲۹۲ق سرودن آن را بیابان رسانده و در سال ۱۲۹۴ق، از شرح آن فارغ شده است.

مشارق الشمسین فی الطبیعی و الالهی، اثر شیخ محمدین شیخ محمدطاهر سماوی نجفی (ت. ۱۲۹۴ق) که مطلع آن چنین است:

یا مبدع العقول و النفوس
و فاطر المعقول و المحسوس
أطلق لی العقل بطرق الفكر
لیرتقی حمدی به و شکری

تکمله و اصلاح شرح منظومه، اثری از سیدمحمد عصار (۱۳۵۶ق) که با هدف اصلاح و تکمیل شرح منظومه تألیف شد، اما نتوانست جای آن را بگیرد. وی در کتاب خود اشکالاتی بر سبزواری وارد ساخته و در برابر ابیات منظومه حاجی، ابیاتی از خود را پیشنهاد کرده است؛ از جمله بجای:

معرف الوجود شرح الاسم
و لیس بالحد و لا بالرسم
بیت زیر را پیشنهاد کرده است:

بداهة الوجود فی الاکوان
مغن عن التعریف و البرهان
و بجای این بیت:

ان الوجود عندنا اصیل
دلیل من خالفنا علیل
بیت زیر را پیشنهاد کرده است:

اصالة الماهية احتمالاً
لايستحق البحث و الجدالاً

اینها چند نمونه از آثاری بود که با الهام از شرح منظومه و با هدف جایگزینی یا اصلاح آن، برشته‌تحریر درآمده‌اند، اما هیچکدام از آنها و حتی کتابهای دیگری که بعداً با سبک و سیاق دیگری تألیف شدند، نتوانستند جای شرح منظومه حاج ملاهادی سبزواری را بگیرند؛ این امر نشان‌دهنده جایگاه بیبدیل این کتاب در تاریخ فلسفه اسلامی است.

امتیازات شرح منظومه و دلیل ماندگاری آن

در مورد دلیل ماندگاری و بیبدیلی شرح منظومه، میتوان به عوامل درونی و بیرونی



متعددی اشاره کرد. مقصود از عوامل درونی اموری است مربوط به محتوا و متن کتاب، و مقصود از امور بیرونی، اموری است خارج از محتوا و متن کتاب.

الف) عوامل درونی

۱. **بیان مطالب بصورت نظم:** ارائه مطالب بصورت نظم که علاوه بر سهولت در حفظ مطالب، جذابیت فراگیری آن را دوچندان کرده است، یکی از مهمترین ویژگیهای این اثر است. البته بسیاری از آثار مشابه نیز این امتیاز را دارند.

۲. **جامعیت مسائل:** از آغاز مباحث منطق گرفته تا امور عامه، الهیات بالمعنی الاخص، طبیعیات، نفس‌شناسی، معادشناسی و حتی اخلاق، در این کتاب آمده است.

۳. **اشتمال بر آراء بزرگان:** احاطه بینظیر حکیم سبزواری به آثار و نظریات حکمی و فلسفی و حسن سلیقه وی، باعث شده اهم مطالب منطقی و فلسفی در این کتاب، به احسن وجه و در نهایت احکام و استواری، گردآوری و چینش شود. برخی معتقدند این کتاب علاوه بر اشتمال بر آراء سایر حکما، حاوی تمام هندسه معرفتی حکمت متعالیه، بنحو فشرده است؛ از اینرو آن را با عناوینی همچون بچه اسفار، عصاره اسفار یا روغن بادام اسفار توصیف کرده‌اند.

۴. **انطباق با روش و ذوق حکمت متعالیه:** روش حکمت متعالیه، جمع بین برهان، عرفان و قرآن است. ملاصدرا با اعتقاد به هماهنگی این سه منبع در نشان دادن واقعیات، علاوه بر استدلال عقلی، از شواهد نقلی و ذوقیات قلبی نیز بهره بسیار برده است. مباحث شرح منظومه نیز بر همین روش منطبق است و این کتاب، بر خلاف بسیاری از آثاری که پس از آن نگاشته شده، به سنت صدراپی پایبند بوده و در کنار استدلالات عقلی، سرشار از ذوق عرفانی و قرآنی است و همین بر جذابیت آن نزد پیروان حکمت متعالیه افزوده است. وجه دیگر تسمیه شرح منظومه به عناوین پیش‌گفته همین نکته است.

۳۱

۵. **ایجاز غیرمخل:** پرهیز از اطناب و تأکید بر اختصار، یکی دیگر از ویژگیهای شرح منظومه است که ارتباط با آن و فراگیری را آسانتر نموده است. لازم به ذکر است که همزمان و شاید پیش از شرح حکیم بر ارجوزه حکمت، فرزندش، ملامحمد نیز به نوشتن شرحی محققانه و مفصل بر آن اقدام کرد که مورد پسند حکیم قرار گرفت، اما در عین حال، بسبب تفصیل و اطناب فراوان، حکیم خود به نوشتن شرح ایبات اقدام کرد و



گفت: «لولا التفصیل لکان شرح محمد حسناً» (رضانژاد، ۱۳۷۱: ۲۰۸).
۶. نوآوری و ابتکار: وجود تقریرات جدید، نظریات و براهین ابتکاری و نقد و تحلیل آراء ملاصدرا و دیگران، بر غنای این مجموعه افزوده است.

ب) عوامل بیرونی

۱. شخص مؤلف: یکی از مهمترین مشخصه‌های یک کتاب خوب، داشتن مؤلفی توانا و شناخته شده است. ملاهادی سبزواری، فیلسوف و عارفی برجسته و اگر نگوییم برترین حکیم متأله پس از ملاصدرا، دست کم در زمره چند حکیم تراز اول قرار دارد. جدا از مراتب علمی، جنبه معنوی و نفس کامله این شخصیت برجسته، بر گیرایی و ماندگاری اثر او افزوده است.

۲. اولین در نوع خود: همیشه اولینها در یاد میماند. اگرچه سنت ارجوزه‌نویسی قدمتی کهن دارد، اما در حوزه حکمت و فلسفه، ظاهراً قبل از منظومه حکیم سبزواری، اثر دیگری وجود ندارد و همه آثار مشابه، پس از کتاب او نوشته شده است.

۳. تدریس مکرر توسط خود مؤلف: حکیم سبزواری پس از تألیف منظومه، خود به تدریس آن پرداخت و چندین دوره متوالی در مشهد و سبزواری، منظومه را تعلیم داد. سبزواری، هر روز، سه درس، در سطوح مختلف بیان میکرد: شرح منظومه، برای مبتدیان؛ اسفار، برای متوسطان؛ و درس خصوصی برای خواص از اصحاب (سبزواری، ۱۳۶۹: ۱/۲). البته بعدها تدریس شرح منظومه و آماده‌سازی مبتدیان برای ورود به اسفار را به ملامحمد، فرزندش، و برخی دیگر از شاگردان خود سپرد.

۴. شرح کتاب توسط خود مؤلف: حکیم در ضمن تدریس و طی سالیانی دراز، خود به شرح و تحشیه کتاب همت گماشته و به احتمال قریب به یقین، ابهامات و اشکالات آن را تا حد ممکن، رفع و اصلاح نموده است. دیگر ارجوزه‌های مشابه، یا فاقد شرح مناسبند، یا شرح آن توسط شخصی غیر از مؤلف صورت گرفته است.

۵. حواشی و شروح متعدد: شرح منظومه را نباید مانند یک اثر واحد دید. این اثر با حواشی و شروح و ترجمه‌های بسیاری که دارد، مجموعه‌یی غنی برای هر متعلم و معلمی است که براحتی نمیتوان آن را از متون درسی حذف، و کتابی دیگر جایگزین آن نمود. این کتاب قریب به پنجاه شرح و حاشیه و تعلیقه دارد که بر اهمیت آن افزوده است (رضانژاد، ۱۳۷۱: ۲۲۵-۲۰۷).

۶. **شاگردان مشهور و مدرسان برجسته و متعدد:** برای شهرت و شناخته شدن یک استاد، علاوه بر ابعاد علمی، تواناییها و ویژگیهای فردی وی، شاگردان او نیز نقشی ویژه ایفا میکنند. ملاحادی سبزواری نزدیک به پنجاه سال در مشهد و سبزواری، به تعلیم و تربیت شاگرد پرداخت. نزدیک به هزار نفر از اقصی نقاط ایران و جهان، گرد او آمدند و از خرمن دانش او خوشه برداشتند که نزدیک صد نفر از آنها، افراد شاخص و شناخته شده هستند که خود، بعداً در شهر و دیارشان در زمرهٔ مدرسان فلسفه درآمد و به ترویج یا تدریس شرح منظومه پرداخته‌اند (همان: ۱۳۸-۱۰۲؛ سبزواری، ۱۳۶۹: ۲/ ۱۸-۱۲). این نه تنها باعث مطرح شدن بیش از پیش نام و آوازهٔ حکیم سبزواری، بلکه باعث شهرت و جا افتادن هر چه بیشتر شرح منظومه، بعنوان یک متن درسی در مراکز حکمی ایران و جهان شد.

تاریخچه تدریس شرح منظومه

چنانکه گذشت، حکیم سبزواری خود پس از سرودن منظومه، به تدریس آن در مشهد و سبزواری مشغول شد و ضمن تدریس، به نوشتن شرح و حاشیه بر آن اقدام کرد. پس از حکیم، شاگردان او نیز به این مهم اشتغال ورزیدند و با رفتن به مناطق دیگر، کتاب منظومه را با خود بردند و بعضی به تدریس آن پرداختند. شرح منظومه نخست در مشهد و سبزواری و سپس در تهران، اصفهان، نجف، قم و دیگر مراکز حکمی، در زمرهٔ کتب درسی درآمد.

۱. مدرسان شرح منظومه در سبزواری

در سبزواری، ابتدا خود حکیم سبزواری به تدریس شرح منظومه پرداخت، اما پس از مدتی، تدریس شرح منظومه را به برخی از شاگردان توانمند خویش سپرد و آنها در زمان حیات حکیم، این کتاب را تدریس میکردند. آخوند ملامحمد، فرزند ارشد و نایب حکیم سبزواری و از بزرگترین تلامذ او، یکی از این افراد بود که پیشتر گفتیم یکی از اولین شروح منظومه را تألیف کرد که جز از حیث تفصیل، مورد پسند حکیم قرار گرفت. آخوند ملامحمد، تا دو سال پس از فوت حکیم، در قید حیات بود و علاوه بر شرح منظومه، به تدریس اسفار و دیگر کتب فلسفی اشتغال داشت. وی در سال ۱۲۹۲ق در حدود ۵۹ سالگی از دنیا رفت و فوت او، پس از فوت حکیم، لطمه‌یی شدید به حوزهٔ فلسفی سبزواری وارد ساخت.^۲

پس از آخوند ملامحمد، نوبت به دیگر شاگردان حکیم سبزواری رسید. در این طبقه چند نفر را بطور ویژه میتوان نام برد که چراغ حکمت و فلسفه را بعد از حاجی و پسرش، در سبزواری تا مدتی روشن نگه داشتند: یکی میرزا حسین علوی سبزواری (۱۳۵۲-۱۲۶۷ق) معروف به «میرزا حسین کبیر» است که در معقول از شاگردان حاجی و فرزندش و در منقول، از بزرگترین شاگردان میرزای شیرازی بود. او بدرخواست حاج میرزا ابراهیم شریعتمدار، به ایران بازگشت و به تدریس علوم عقلی و نقلی پرداخت (امین، ۱۳۵۶: ۳۳-۳۰). دیگری، میرزا ابراهیم تهرانی معروف به «شیخ معلم» است که دکان عطاری داشت و پس از حکیم، شهرت حکمی و فلسفی او، همه حوزها را فرا گرفت (اسراری، بی تا: ۶۳-۶۲؛ رضائزاد، ۱۳۷۱: ۱۱۷-۱۱۶ و ۲۶۸). نفر سوم، شیخ اسماعیل تهرانی (۱۳۴۵ق) معروف به «افتخار الحکماء طالقانی» است. او صبحها در مطب، بیماران را درمان میکرد و عصرها برای طلاب، شرح منظومه، اسفار، حکمت اشراق، طب قدیم، ریاضی، بلاغت، اصول و موسیقی و دیگر علوم را درس میگفت (غنی، ۱۳۶۷: ۴۲/۱؛ رضائزاد، ۱۳۷۱: ۱۱۶).

پس از این افراد، نوبت به نسل بعدی مدرسان شرح منظومه میرسد که آخرین حلقه از حکمای سبزواری قلمداد میشوند و بعد از آنها، حوزه فلسفی سبزواری فروغ خود را از دست داد. از این میان به نام سه نفر میتوان اشاره کرد: ۱) میرزا محمد سبزواری اسراری (زنده در ۱۳۵۰ق) از نوادگان دختری آخوند ملامحمد، و پدر حاج شیخ محمد ملقب به «ولی الله اسراری»، است که حکمت را نزد جدش، ملامحمد آموخت (رضائزاد، ۱۳۷۱: ۳۸ و ۲۵۸). ۲) فاضل هاشمی (۱۳۸۳-۱۳۰۷ق) که فلسفه را از میرزا حسین علوی و افتخار الحکماء طالقانی فرا گرفت و سپس خود از مدرسان بزرگ علوم عقلی و نقلی در سبزواری شد. تا جایی که در مقاطعی از زندگی، روزی شانزده درس تدریس میکند (امین، ۱۳۸۷: ۲۰-۱۹). ۳) عبدالحکیم سبزواری (زنده در ۱۳۴۳ق)، نوه دختری حکیم سبزواری که حدود یازده سال از محضر حکیم جلوه در تهران استفاده نمود و در نجف اشرف، درس اسفار میگفت و پس از بازگشت، در سبزواری به تدریس علوم معقول و منقول مشغول شد (رضائزاد، ۱۳۷۱: ۲۵۸-۲۵۷).

۲. مدرسان شرح منظومه در مشهد

پیشتر گذشت که حکیم سبزواری در سال ۱۲۴۰ق، یعنی دو سال قبل از ورود به

مشهد، از سرودن منظومه حکمت، فراغت یافته بود. حکیم قبل از مهاجرت به سبزوار، مدت پنج سال در مشهد در مدرسه حاج حسن به تدریس حکمت اشتغال داشت (همان: ۷۷) و ابتدا در مشهد بود که منظومه را درس داد. در این ایام، اگرچه توجهی به فلسفه وجود نداشت و این مسئله باعث رنجش و مهاجرت حکیم از مشهد شد، اما در همین مدت کم، دو شاگرد برجسته را تربیت نمود که پس از حکیم، از مدرسان نامدار علوم عقلی در مشهد شدند و نسل دوم مدرسان شرح منظومه را تشکیل دادند.

این دو شخص ملاغلامحسین شیخ الاسلام و میرزا محمد سروقدی بودند که افراد طبقه تالی، عمدتاً در محضر این دو، فلسفه را آموختند (آشتیانی، ۱۳۸۶: ۱۰۲). در کنار آن دو، میتوان از ملاابراهیم سبزواری معروف به «وثوق الحکماء» نیز نام برد که دوره حکمت را در سبزواری نزد حاج ملاهادی گذراند و پس از آن، به مشهد آمد و به تدریس فلسفه پرداخت (همو، ۱۳۷۶: ۵۶).

نسل سوم مدرسان شرح منظومه مقارن است با از دست رفتن فروغ حوزه فلسفه سبزواری و مرکزیت یافتن علوم عقلی در خراسان. این دوره را میتوان عصر طلایی حکمت و فلسفه در مشهد نامید که چند حکیم برجسته، همزمان در مشهد مشغول تدریس فلسفه و حکمت بودند:

۱. محمدعلی خراسانی معروف به حاج فاضل خراسانی (۱۳۴۲-۱۲۶۰ق)، شاگرد ملاغلامحسین شیخ الاسلام و میرزا محمد سروقدی، که مجتهدی مسلم بود و علاوه بر حوزه درس معقول و منقول، صاحب منصب قضا نیز بود (خامنه‌ای، ۱۳۶۵: ۲۴).

۲. شیخ اسدالله یزدی (۱۳۴۱-۱۲۷۸ق) معروف به «هراتی». او دانش‌آموخته مکتب فلسفی تهران و شاگرد آقا محمدرضا قمشه‌ای، آقاعلی مدرس زنوزی و میرزا ابوالحسن جلوه بود (صدوقی‌سها، ۱۳۵۹: ۷۱؛ همو، ۱۳۸۱: ۲۹۶-۲۹۲).

۳. محمدتقی شهیدی (۱۳۵۵-۱۲۸۵ق) معروف به «آقابزرگ حکیم»، از نوادگان میرزا مهدی شهید، عالم پرآوازه خطه خراسان. او هم شاگرد با واسطه حکیم سبزواری، از طریق ملاغلامحسین شیخ الاسلام و میرزا محمد سروقدی است و هم نزد حکمای برجسته تهران، همچون میرزا ابوالحسن جلوه، میرزا هاشم اشکوری و حکیم کرمانشاهی تلمذ نموده و با تدریس متون مختلف حکمی، بیش از ۲۳ سال تا هنگام ارتحال، رونقی خاص به حوزه علوم عقلی در مشهد بخشید (جلالی، ۱۳۷۴: ۱۰-۱۳).

۳۵



محمد مهدی کمالی؛ تاریخچه شرح منظومه و تدریس آن در ایران و جهان

۴. شیخ حسن کاشانی معروف به «شیخ حسن کاشی». او هم‌عصر سه حکیم فوق‌الذکر بود اما بلحاظ شهرت، در رتبه بعد از آنها قرار دارد. نامش در میان شاگردان آخوند کاشی دیده می‌شود (صدوقی‌سها، ۱۳۸۱: ۴۱۶). وی در مدرسه میرزا جعفر به تدریس متون فلسفی همچون شرح منظومه حکیم سبزواری اشتغال داشته است (پسندیده، ۱۳۸۵: ۱۶۸؛ صدوقی‌سها، ۱۳۸۱: ۳۰۶).

۵. سیدعباس شاهرودی (۱۳۴۱ق) او شاگرد میرزا ابوالحسن جلوه بوده و در مشهد شرح تجرید و شرح منظومه درس میداده و به تسلط بر کتب فلسفه و مبانی حکمی معروف بوده است (خامنه‌ای، ۱۳۶۵: ۲۵؛ جواهرکلام، ۱۳۸۲: ۱۳۸۳/۳).

۶. میرزا مهدی شهیدی (۱۳۵۴-۱۳۱۹ق). آقابزرگ حکیم، فرزندی بنام میرزا مهدی داشت که یکی دو سال قبل از پدر، از دنیا رفت. وی که شاگرد آقابزرگ و شیخ اسدالله یزدی بود، خود از مدرسان نامی مشهد محسوب می‌شد و دروسی نظیر شرح منظومه، اسفار و کفایه را تدریس میکرد. او از نوایع عصر بود و بر شخصیت‌هایی برجسته همچون مطهری، برغم عمر کوتاه خود، تأثیرگذار بود (جلالی، ۱۳۷۴: ۱۳-۱۰).

پایان عصر این حکما، مقارن شد با ورود میرزا مهدی اصفهانی، صاحب مکتب تفکیک، به مشهد و رکود دوباره علوم عقلی در این شهر. با این حال، اگرچه چراغ فروزان حکمت بسیار کم شد و دورس فلسفی از رونق افتاد، اما هیچگاه خاموش نشد. طبقه بعدی مدرسان شرح منظومه در مشهد در دو جریان کاملاً متضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند؛ عده‌ای که جریان غالب را تشکیل می‌دهند، پیرو میرزا مهدی اصفهانی در مخالفت با فلسفه و عرفان بوده و مباحث فلسفی، از جمله شرح منظومه را با رویکرد نقادانه درس میدادند. عده‌ی نیز در مقابل این جریان، هرچند در حاشیه قرار گرفتند، اما بطور علنی یا مخفیانه، در ترویج فلسفه و حکمت کوشیدند.

از جمله مدرسان مهم جریان اول میتوان به شیخ غلامحسین محامی معروف به «بادکوبه‌ای» (۱۳۳۳ش) (جلالی و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۸۵/۱)، شیخ محمود تولایی معروف به «حلبی» (۱۳۷۶-۱۲۷۹ش) (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۳)، شیخ مجتبی قزوینی (۱۳۸۶-۱۳۱۸ق) (حکیمی، ۱۳۷۷: ۲۴۲-۲۵۹) و میرزا جواد تهرانی (۱۳۶۸-۱۲۸۳ش) (همان: ۳۰۵)، اشاره کرد. در جریان دوم نیز افرادی نظیر شیخ سیف‌الله ایسی میانجی (۱۳۸۲-۱۳۱۷ق) (حائری یزدی، ۱۳۸۴: ۳۵۶؛ صدوقی‌سها، ۱۳۸۱، ۳۸۳)، شیخ هادی کدکنی (۱۳۵۳-۱۲۷۵ش) (نقدی، ۱۳۸۱)، میرزا ابوالقاسم الهی (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۷۲) و محمدرضا کلباسی

(۱۳۸۳-۱۲۹۵ق) (طالبیان شریف و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۲۱) قرار دارند.

در طبقه بعدی میتوان از ابوالقاسم بلخی (۱۳۵۸ش) (رحمانی و جغتایی، ۱۳۸۳: ۱/۳۱۷)، شیخ حسن رحیمی (مالستانی، ۱۴۰۰: ۲۹۱-۲۹۰)، عبدالرحیم فیض گنابادی (۱۳۶۴-۱۲۷۶ش) (جلالی و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۲۸)، جعفر زاهدی جورابچی (۱۴۱۹-۱۳۳۵ق) (همان: ۲۳۱)، مجتهدی سیستانی (۱۳۷۲-۱۳۱۱ش)، شیخ علی تهرانی (۱۴۰۱-۱۳۰۵ش)، سید علی جوهری (۱۳۹۱ش) و بویژه، سیدجلال‌الدین آشتیانی (۱۳۸۴-۱۳۰۴ش) نام برد که به تدریس شرح منظومه اشتهاار داشتند. سید جلال‌الدین آشتیانی با ورود به مشهد، به تدریس دروس فلسفه در دانشگاه و حوزه اقدام کرد و شاگردان فاضلی را تربیت کرد که عمده مدرسان نسل اخیر شرح منظومه در مشهد را تشکیل میدهند.

۳. مدرسان شرح منظومه در تهران

عده‌یی از شاگردان حاج ملاهادی سبزواری، پس از تلمذ نزد استاد در سبزواری، به تهران مهاجرت کردند؛ همانها مروج شرح منظومه شده و نسل اول مدرسان این کتاب در تهران را تشکیل میدهند. از آن جمله، عبارتند از: آقا میرزا محمدحسین سبزواری، میرزا اسدالله سبزواری (معلم فلسفه ادوارد براون)، حاج ملا اسماعیل سبزواری، میرزا جعفر حکیم الهی لواسانی و میرزا شمس‌الدین حکیم الهی ثانی.

از میان این افراد، میرزا حسین سبزواری (۱۳۱۸ق) معروف به «حکیم ریاضی»، از همه مهمتر است. او که غیر از میرزا حسین علوی سبزواری سابق الذکر است، یکی از حکمای اربعه تهران قلمداد میشود که سالیان دراز، از صبح تا عصر، دروس مختلف حکمت و ریاضی را در مدرسه عبدالله خان، پشت مسجد شاه تهران، تدریس میکرد (شیرازی، ۱۳۳۹: ۳/۵۰۹). حکیم هیدجی (۱۳۳۹-۱۲۷۰ق) یکی از شاگردان او و میرزای جلوه است که از مدرسان نسل دوم شرح منظومه در تهران محسوب میشود و تعلیقه معروفی بر شرح منظومه سبزواری دارد.

۳۷ او سی سال در مدرسه منیریّه تهران به تدریس دروس مختلف فلسفی، از جمله شرح منظومه مشغول بوده است (حسینی تهرانی، ۱۳۸۷: ۱/۹۹).

سرآمد مدرسان نسل بعدی را باید میرزا مهدی آشتیانی (۱۳۷۲-۱۳۰۶ق) دانست. وی شاگرد میرزا هاشم اشکوری و میرزا حسن کرمانشاهی است که سالیانی بسیار، در مدرسه سپهسالار قدیم و همچنین در منزل خود در خیابان ری، کوچه مشاور، به تدریس دروس مختلف، از جمله شرح منظومه مشغول بوده است (محقق، ۱۳۸۶: ۴؛ همو، ۱۳۸۹: ۸). میرزا



محمد مهدی کمالی؛ تاریخچه شرح منظومه و تدریس آن در ایران و جهان

مهدی در عنفوان جوانی منظومه میگفت. نقل است که آقا میرزا هاشم اشکوری با استماع غافلانه تدریس وی به او گفته بود: اگر شخص حاجی هم زنده بود بدین نحو درس نمیگفت (صدوقی‌سها، ۱۳۶۰: ۱۱).

نسل سوم مدرسان شرح منظومه در تهران، افراد زیادی را شامل میشود؛ از جمله: سیدمحمدکاظم عصار (۱۳۹۵-۱۳۰۲ق) در مدرسه‌های صدر، عبدالله خان و سپهسالار، و دانشکده الهیات؛ میرزا مهدی الهی قمش‌ای (۱۳۹۳-۱۳۱۹ق) در مدرسه سپهسالار و دانشکده الهیات؛ میرزا ابوالحسن شعرانی (۱۳۹۳-۱۳۲۰ق) در منزل خود در سه راه سیروس؛ شیخ محمدتقی آملی (۱۳۹۱-۱۳۰۴ق)، صاحب حاشیه معروف بر شرح منظومه حکمت، در منزل خود واقع در چهارراه حسن‌آباد، به تدریس شرح منظومه مشغول بوده‌اند (محقق، ۱۳۸۹: ۸). مهدی محقق طی سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ شمسی قسمتهای مختلف شرح منظومه سبزاری را نزد این چهار استاد فرا گرفته است (همو، ۱۳۸۶: ۶).

همزمان با این اساتید و مقارن با دهه بیست شمسی، سیدمحمد مشکوة بیرجندی (۱۴۰۰-۱۳۱۹ق)، شیخ جواد مصلح (۱۴۱۹-۱۳۳۳ق)، و میرزا ابوالفضل نجم‌آبادی (۱۳۸۵-۱۳۱۷ق) نیز در مدرسه سپهسالار به تدریس شرح منظومه اشتغال داشته‌اند (ادبی، ۱۳۸۹: ۱۵ و ۳۰؛ جواهرکلام، ۱۳۸۲: ۱/۲۵۴؛ محقق، ۱۳۸۷: ۱۶۲).

مهمترین مدرسان نسل چهارم شرح منظومه را میتوان مهدی حائری یزدی (۱۳۷۸-۱۳۰۲ش)، استاد مطهری (۱۳۵۷-۱۲۹۸ش) (جواهر کلام، ۱۳۸۲: ۲۵۵/۱) و سیدرضی شیرازی (۱۴۰۰-۱۳۰۷ش) (رحیمی، ۱۳۹۵: ۸۹) دانست که عمدتاً در مدرسه مروی و سپهسالار و دانشکده الهیات به تدریس شرح منظومه اشتغال داشتند. در کنار این افراد، میتوان از آیت‌الله وحید خراسانی (محقق، ۱۳۸۶: ۵)، آیت‌الله علوی گرگانی (۱۴۰۰-۱۳۱۸ش) (زندگینامه آیت‌الله العظمی علوی گرگانی، بی‌تا: ۱۸)، علامه محمدتقی جعفری (۱۳۷۷-۱۳۰۲ش) و سیدمحمدتقی نقوی (۱۳۹۸-۱۳۰۸ش) نیز نام برد که مدتی به تدریس شرح منظومه منطبق یا حکمت در تهران مشغول بوده‌اند.

۴. مدرسان شرح منظومه در اصفهان

اولین مدرسان شرح منظومه در اصفهان را میتوان دو حکیم برجسته از آخرین حکمای نسل طلایی مکتب اصفهان دانست؛ یکی میرزا جهانگیرخان قشقایی (۱۳۲۷ق) و دیگری، آخوند محمد کاشی (۱۳۳۳-۱۲۴۹ق) که هر دو از شاگردان آقا محمدرضا

قمشه‌ای و ملاعب‌الجواد خراسانی بوده‌اند. آن دو حوزه درس پررونقی را در اصفهان تشکیل داده بودند و خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی شبیه به هم داشتند. هر دو به تدریس کتب حکمی، از جمله شرح منظومه مشغول بودند و صدها شاگرد از محضر آن دو استفاده میکردند. درس شرح منظومه جهانگیر خان، بسبب کثرت شاگردان، در خارج از حجره مدرسه صدر و در شبستان مسجد چارچی تشکیل میشد (طرب، ۱۳۴۲: ۶۶ و ۷۰؛ مهدوی، ۱۳۸۶: ۲/۴۰۳؛ قاسمی، ۱۳۹۳: ۲/۴۳۱). در کنار این دو حکیم، میتوان از میرزا محمدعلی تویسرکانی اصفهانی (م ۱۳۲۹ق) نیز نام برد که در آن دوره، شرح منظومه درس میداده و اسدالله ایزدگشسب در سال ۱۳۲۰ق، در اصفهان نزد او شرح منظومه خوانده است (ایزدگشسب، ۱۳۴۵: ۶۶).

طبقه بعدی مدرسان شرح منظومه در اصفهان، عمدتاً از شاگردان دو حکیم یاد شده بودند و افراد زیادی را شامل میشود که همزمان، به تدریس دروس فلسفه، از جمله شرح منظومه مشغول بوده‌اند. شیخ علی فقیه فریدنی (م ۱۳۷۳ق) در مدرسه جده (مهدوی، ۱۳۸۶: ۴/۵۹۹)، شیخ محمد حکیم خراسانی (م ۱۳۵۵ق) در مدرسه صدر، سید صدرالدین هاطلی کوپایی (م ۱۳۷۲ق) در مدرسه صدر (خلیلیان، ۱۳۸۹: ۹۱)؛ ملاعب‌الجواد آدینه‌ای، در مدرسه صدر و مسجد ذوالفقار (مهدوی، ۱۳۸۶: ۴/۱۲۵)، و شیخ محمود مفید (۱۳۸۲-۱۲۹۷ق) در مدرسه صدر بازار و چهار باغ (همان: ۲/۶۶۱)، تدریس میکردند. پس از آنها نوبت به شیخ ابوالقاسم اشراقی قمشه‌ای (م ۱۳۸۹ق)، شاگرد شیخ محمد حکیم خراسانی (همان: ۱/۳۲۴) و سید حسن مدرس هاشمی اصفهانی (همان: ۳/۱۵۹) رسید، و سرانجام شیخ حسین عشاقی که قبل از مهاجرت به قم و قبل از سال ۱۳۶۴ش، در اصفهان شرح منظومه تدریس میکرد است (همان: ۲/۷۷۷).

۵. مدرسان شرح منظومه در قم

۳۹

با توجه به تاریخچه صد ساله حوزه علمیه قم، بنظر میرسد آیت‌الله میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی اولین مدرس شرح منظومه در قم بوده است. استاد مطهری مینویسد:

پس از تأسیس حوزه علمیه قم در سال ۱۳۴۰ق بوسیله مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، معظم‌له به قم مهاجرت کرد و ضمن استفاده از محضر آقای حائری، خود به تدریس شرح منظومه و اسفار ملاصدرا پرداخت. فضلا از درسش استفاده میکردند. استاد بزرگ ما، آیت‌الله خمینی مدظله،



محمد مهدی کمالی؛ تاریخچه شرح منظومه و تدریس آن در ایران و جهان

شرح منظومه و قسمتی از اسفار را نزد او خوانده... (بندرچی، ۱۳۶۸: ۸).

همچنین حکیم متأله، آیت‌الله میرزا علی‌اکبر مدرس یزدی (۱۳۴۴ق)، از شاگردان آقاعلی مدرس، که در اصفهان و سپس تهران، به تحصیل و تدریس فلسفه اشتغال داشت، در همین ایام به قم آمده و تا سال ۱۳۴۴ق که بدرود حیات گفت، به تدریس علوم معقول مشغول بود. عارف نامی، آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی (۱۳۶۹-۱۲۹۲ق) نیز مدت هفت سال (۱۳۵۴-۱۳۴۷ق) از تهران به قم آمده و به تدریس منظومه در کنار سایر کتب عقلی و عرفانی پرداخت (آشتیانی، ۱۳۶۰: ۱۴۰). امام خمینی و میرزا هاشم آملی، از جمله شاگردان آنان در علوم عقلی هستند. میرزا مهدی امامی مازندرانی، معروف به «امیرکلایی» (۱۳۷۸-۱۲۹۷ق) نیز یکی دیگر از اساتید معقول و منقول این دوره بود که سید جلال‌الدین آشتیانی، سفارش میرزا مهدی آشتیانی، شرح منظومه و نیمی از شوارق و مکاسب را نزد او خواند (جواهرکلام، ۱۳۸۲: ۱۸۵۷/۳). وجود این چند حکیم برجسته که حلقه اول مدرسان علوم عقلی در قم را تشکیل میدادند، توانست فضای تنگ و بسته حوزه قم، بویژه در مخالفت با فلسفه را تعدیل کند (خمینی، ۱۳۸۱: ۱۹۱-۱۸۹؛ جبرئیلی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۰۰).

در طبقه بعدی، نام دو مدرس بزرگ شاگردپرور بچشم میخورد که تأثیر بسزایی در گسترش علوم عقلی در حوزه‌های علمیه از خود بجای گذاشتند؛ امام خمینی و علامه طباطبایی. امام، قبل از آمدن آیت‌الله بروجردی به قم، مشغول تدریس شرح منظومه و اسفار و دروس سطح در قم بود (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۹/۳۷۰) و علامه طباطبایی پس از اقامتی ده ساله در تبریز، به قم آمده، نخست منظومه و بعد، اسفار تدریس میکرد (فاطمی موحد، ۱۳۸۷: ۲۲۷).

طبقه سوم، عمدتاً اختصاص به شاگردان این دو استاد بزرگ دارد که شامل آیات عظام مطهری، علوی گرگانی، حسن‌زاده آملی، جوادی آملی، یحیی انصاری شیرازی، حسنعلی منتظری، سبحانی، شیخ یحیی انصاری شیرازی، قدرت‌الله وجدانی فخر (مهدوی، ۱۳۸۶: ۲/۱۲۸۶) و مهدی حائری یزدی (حائری یزدی، ۱۳۸۴: ۳۵۷؛ مهدوی، ۱۳۸۶: ۳/۱۴۷۲) میشود.

۶. تدریس شرح منظومه در نجف

حوزه علمیه نجف در اعصار اخیر محل آمدوشد مجتهدان و حوزه‌یی نقلی بوده است که بیشتر در آن، فقه و اصول رواج داشته و کمتر میان‌ه‌یی با علوم عقلی داشته است؛ در عین حال،



بکلی از دروس حکمت و عرفان خالی نبوده است. مدرسان حکمت و عرفان در نجف اشرف، نوعاً از مهاجرین ایرانی و بویژه از شهرهای اصفهان، مشهد، سبزوار، شیراز و تهران بوده‌اند که برای تکمیل دانسته‌های فقهی و اصولی خود، به نجف مهاجرت نموده‌اند.

بلحاظ تاریخی، اولین گزارش تدریس منظومه در نجف، مربوط به آخوند خراسانی است که در مسیر رفتن به نجف، ابتدا خیلی کوتاه در درس حکیم سبزواری در سبزوار حاضر شد و بعد، حدود هجده ماه در تهران، نزد میرزای جلوه و ملاحسن حکیم خوبی (شاگرد ملاعبدالله زنوزی) فلسفه آموخت. بگفته صدوقی‌سها، آخوند در اوایل ورود به عراق، به تدریس شرح منظومه و اسفار مشغول بود (خسروپناه و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵۸). علاوه بر آخوند، از کنار نام ملاحسینقلی همدانی، دیگر شاگرد بزرگ حکیم سبزواری، نباید بسادگی گذشت. او با حضور خود در نجف، شاگردان خویش را با حکمت متعالیه ملاصدرا آشنا ساخت (رفاعی، ۱۴۱۳: ۳۹/۱)؛ هر چند شهرت او بیشتر بسبب ترویج مکتب عرفانی در این حوزه است.

در همان دوره، حکمای دیگری که عمدتاً دانش‌آموخته حوزه فلسفی تهران بودند - نظیر شیخ محمدباقر اصطهباناتی (۱۳۲۶-۱۲۵۳ق) و آقا سیدحسین بادکوبه‌ای (۱۳۵۸ق) - به نجف اشرف مهاجرت کردند و با حضور آنها در نجف، تدریس علوم عقلی در آنجا رونق گرفت و حکمای بزرگی چون محمدحسین غروی اصفهانی (۱۳۶۱ق) و علامه طباطبایی تربیت یافتند (سبحانی و دیگران، ۱۴۲۴: ۲۴۷/۵؛ جبرئیلی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۹۹).

در این میان، سید حسین بادکوبه‌ای (ف ۱۳۵۸) (استاد علامه طباطبایی) مهمترین شخصیت اثرگذار در تعلیم و نشر علوم عقلی در حوزه نجف بود که در کنار دیگر متون فلسفی، شرح منظومه نیز درس میداد (جواهر کلام، ۱۳۸۲: ۱۵۶۵/۳). وی در حوزه فلسفی تهران درس آموخت و پس از مهاجرت به نجف، نزد استادان آن حوزه فقه و اصول فرا گرفت؛ سپس به تدریس متون فلسفی همت گماشت.

از دیگر اساتید فلسفه نجف اشرف در این دوره، آقا شیخ علی محمد نجف‌آبادی، شاگرد جهانگیر خان و آخوند کاشی، است که از اساتید شرح منظومه آیت‌الله غروی و شیخ محمدحسین کاشف الغطاء محسوب میشد (صدوقی‌سها، ۱۳۵۹: ۱۰۳).

شیخ مرتضی طالقانی (۱۳۶۳-۱۲۷۴ق) از دانش‌آموختگان مکتب تهران و اصفهان و معاصر آقا سیدحسین بادکوبه‌ای است که شاگردی چون علامه جعفری را به جهان علم تقدیم

کرده است. او نیز بسیاری از متون فلسفی از جمله شرح منظومه را درس می‌گفته است. در نسل بعدی، بسیاری از فضایی نجف شرح منظومه را نزد شیخ صدرا بادکوبه‌ای خواندند (مهدوی، ۱۳۸۶: ۱/۳۱۷). از دیگر مدرسان شرح منظومه در این نسل، میتوان از محمدتقی آملی، فیض‌گنابادی (جلالی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱/۳۲۸)، سیدعبدالکریم کشمیری (۱۳۳۵-۱۴۱۹ق) (جواهر کلام، ۱۳۸۲: ۲/۹۷۳)، سیدعلی جوهری (۱۳۹۱ش) و مهدی حائری‌یزدی (همان: ۲۰۸۱/۴) نام برد.

لازم به یادآوری است که تعلیم و تعلم شرح منظومه اختصاص به مراکز بیان شده نداشته و در بسیاری از شهرهای دیگر، همچون شیراز، همدان، قوچان، قزوین و... یا حتی برخی کشورهای دیگر غیر از عراق، همچون افغانستان، هند، ژاپن، کانادا، لبنان و غیره، بطور متفرقه، تدریس شده و میشود. همچنین ذکر این نکته لازم است که آنچه از نام مدرسین شرح منظومه بیان شد، اولاً، اختصاص به مدرسین معروف آن دارد و نام همه مدرسین شرح منظومه در این وجیزه نیامده است، ثانیاً، بلحاظ زمانی به مدرسین معاصر و در قید حیات شرح منظومه پرداخته نشده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت، معلوم میشود که کتاب شرح منظومه در ۲۰۰ سال اخیر، نقشی بی‌دلیل در آموزش فلسفه در میان طرفداران علوم عقلی ایفا نموده است. اغلب کسانی که در دو قرن اخیر فلسفه آموخته‌اند، آن را با شرح منظومه آغاز نموده و بعد بسراغ کتابهای دیگر رفته‌اند. همچنین، آنها که خواسته‌اند آشنایی بی‌اجمالی با فلسفه پیدا کنند، از میان اینهمه آثار فلسفی، شرح منظومه را برگزیده‌اند. بیشتر مدرسان نیز با تدریس شرح منظومه، تعلیم فلسفه را آغاز نموده‌اند؛ حتی آنها که خواسته‌اند فلسفه را نقد کنند کتاب شرح منظومه را محور بررسی و نقد خود قرار داده‌اند. در خارج از کشور نیز آنها که بدنبال آشنایی با فلسفه اسلامی هستند، در کنار کتابهای تاریخ فلسفه اسلامی، بسراغ شرح منظومه که توسط مهدی محقق و پروفیسور ایزوتسو توشیهیکو به زبان انگلیسی و بعد به زبانهای دیگر ترجمه شده، میروند. با توجه به جایگاه و پیشینه غنی که شرح منظومه و تدریس آن در ایران و جهان دارد، و با توجه به این همه شرح و تعلیقه و حاشیه‌ی که بر این کتاب نوشته شده است و اساتیدی که نسل در نسل به تدریس آن پرداخته‌اند، حذف آن از چرخه آموزش بدون جایگزین مناسب، نه منطقی است و نه آسان. البته وجود امتیازات مذکور، بمعنای عدم نقص یا کاستی در این کتاب

۴۲



سال ۱۴، شماره ۲
پاییز ۱۴۰۲

نیست، چراکه هرگونه کار بشری، هر چند کامل و پربار باشد، از نقص و خلل مبرا نیست. بهر حال، در نگارش کتابهای جدید فلسفی با رویکرد آموزشی، باید به امتیازها و کاستیهای متون سنتی، از جمله شرح منظومه توجه کرد. در کنار بررسی ادبی و محتوایی شرح منظومه، پیشینه غنی و تاریخچه تدریس آن که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت، کمک قابل توجهی به شناخت نقاط قوت و ضعف آن نموده و باید در فرایند تهیه آثار و متون آموزشی جدید، مدنظر قرار گیرد.

پی نوشتها

۱. مهدی محقق مینویسد:

در کتابخانه آستان قدس رضوی به نسخه‌ی خطی از سیدمحمد عصار (پدر استاد بزرگوارم، سیدمحمد کاظم عصار) برخوردم که در آن به نقد شرح منظومه سبزواری پرداخته و نحوه عرضۀ مطالب فلسفی را بگونه‌ی دیگر پیشنهاد کرده است. من در این اندیشه بودم که ایرادات او را در تعلیقات کتاب شرح منظومه بیاورم و این تصمیم را با استادم عصار، در میان گذاشتم و یقین داشتم از این که اثری از پدر او چاپ و منتشر خواهد شد خوشحال میشوم و مرا به این عمل تشویق مینماید. وقتی این امر را بر او عرضه داشتم رنگ چهره خندان و مُصفر او، زرد و مُزغفر گردید و حالت ناخشنودی در سیمایش آشکار گشت و در همان حال، گفت: «نورانیت حاجی را با این ابیات نمیتوان پوشانید و من در سفری که به خراسان رفتم، آقا چند صفحه‌ی از این کتاب را بر من خواند که من یارای شنیدن بقیه آن را نداشتم و ایشان هم بر موضع طرفداری من از حاج ملاهادی واقف گشتند و سخن را دنبال نفرمودند...»

با یک نظر اجمالی میتوان حکم کرد که در این اختلاف پدر و فرزند، حق با دومی بوده است و گفته ارسطو را بیاد می‌آورد که گفته است، حق و افلاطون، هر دو را دوست دارم، ولی حق را بیشتر دوست دارم (محقق، ۱۳۸۶: ۱۹-۲۱).

۲. شاهزاده جناب که شاگرد سبزواری و از ایل قاجار بود، هنگام تشییع جنازه آخوند، بسر میزده و فریاد میکشیده که:

ما شاگردان تاکنون خود را به وجود تو تسلیم میدادیم و میگفتیم:

چون که گل رفت و گلستان شد خراب بوی گل را از که جوییم از گلاب

الحال که گل حیات تو پژمرده و رشته عمرت گسسته شد، به کدام شخص دلخوش باشیم و دیگر به چه امید در این شهر توان بود (اسراری، بی‌تا: ۶۹-۷۰؛ رضائزاد، ۱۳۷۱: ۱۰۵-۱۰۴).

منابع

- زندگینامه حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی (بی تا) قم: دفتر حضرت آیت الله علوی گرگانی.
- آشتیانی، سیدجلال الدین (۱۳۶۰) «مقدمه»، در الشواهد الربوبية فی المناهج السلوکية (صدرالمتألهین)، مشهد: مرکز نشر دانشگاهی.
- _____ (۱۳۷۶) رسائل حکیم سبزواری، تهران: اسوه.
- آشتیانی، سیدجلال الدین؛ لاهیجی، محمدجعفر بن محمدصادق (۱۳۸۶) شرح رساله المشاعر ملاصدرا، قم: بوستان کتاب.
- احمدی طباطبایی، سیدمجید (۱۳۸۳) «شیخ محمود حلبی و مذهب تفکیک»، ضمیمه خردنامه همشهری، شماره ۲۲ و ۲۳.
- ادبی، محمدجواد (۱۳۸۹) «مقدمه» در در زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی شادروان استاد سیدمحمد مشکوة، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی انجمن.
- اسراری، ولی الله (بی تا) رساله اسراری (شرح حال حاج ملاهادی سبزواری)، بیجا.
- امین، سید علینقی (۱۳۵۶) «حاج میرزا حسین علوی سبزواری»، مجله وحید، شماره ۲۱۳، ص ۳۰-۳۳.
- امین، سیدحسن (۱۳۸۷) «فاضل هاشمی، استاد فلسفه از زبان امین و شریعتی»، مجله حافظ، شماره ۵۸، ص ۱۹-۲۰.
- ایزدگشسب گلپایگانی، اسدالله (۱۳۴۵) شمس التواریخ، شرح احوال فقها و حکما و عرفا و شعرا و ادبا، اصفهان: نقش جهان.
- بندرچی، محمدرضا (۱۳۶۸) «مقدمه»، در رجعت و معراج؛ ضمیمه هفت مقاله دیگر علامه رفیعی قزوینی، قزوین: طه.
- پسندیده، محمود (۱۳۸۵) حوزه علمیه خراسان، مدارس علمیه مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- تهرانی، آقابزرگ (۱۴۰۸ق) الذریعة الی تصانیف الشیعة قم: اسماعیلیان.
- جبرئیلی، محمدصفر و دیگران (۱۳۹۷) نقش شیعه در پیدایش و گسترش دانش کلام اسلامی، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
- جلالی، غلامرضا (۱۳۷۴) «حکمت و فرزاندگی (نگاهی به زندگانی مرحوم آقابزرگ حکیم)»، مجله نگاه حوزه، شماره ۳، ص ۱۳-۱۰.
- جلالی، غلامرضا و دیگران (۱۳۸۶) مشاهیر مدفون در حرم رضوی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- جواهر کلام، عبدالحسین (۱۳۸۲) تربیت پاکان قم، شرح حال مدفونین در سرزمین قم، قم: انصاریان.
- حائری یزدی، مهدی (۱۳۸۴) جستارهای فلسفی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- حسینی تهرانی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۷) معادشناسی، قم: علامه طباطبایی.

- حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۷) مکتب تفکیک، تهران: نشر فرهنگ.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۵) گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد، کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، آستان قدس رضوی.
- خسروپناه، عبدالحسین و همکاران (۱۳۹۷) نقش شیعه در پیشرفت منطق و مکاتب حکمت اسلامی، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
- خلیلیان، حمید (۱۳۸۹) بوستان فضیلت، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۸) صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۸۱) تفسیر سوره حمد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- رحمانی ولوی، مهدی؛ جغتایی، منصور (۱۳۸۳) تاریخ علمای بلخ، مشهد بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- رحیمی، محمد (۱۳۹۵) در طریق معرفت: مروری بر زندگی و خاطرات آیت الله سیدرضی شیرازی، تهران: سوره مهر.
- رضانژاد (نوشین)، غلامحسین (۱۳۷۱) حکیم سبزواری، زندگی- آثار- فلسفه تهران: سنائی.
- رفاعی، عبدالجبار (۱۴۱۳ق) «تطور الدرس الفلسفی فی النجف الاشرف»، موسوعة النجف الاشرف، جعفر دجیلی، بیروت: دارالاضواء.
- سبحانی تبریزی، جعفر و دیگران (۱۴۲۴ق) معجم طبقات المتکلمین، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سبزواری، هادی بن مهدی (۱۳۶۹) شرح منظومه تصحیح و تعلیق حسن حسن زاده آملی، تهران: ناب.
- _____ (بی تا/ الف) شرح اسماء الحسنی، بیجا.
- _____ (بی تا/ ب) شرح منظومه، قم: مصطفوی.
- شیرازی، محمدمعصوم (۱۳۳۹) طرائق الحقائق، تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران: کتابخانه بارانی.
- صدوقی سها، منوچهر (۱۳۵۹) تاریخ حکماء و عرفای متأخر، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- _____ (۱۳۶۰) «مقدمه» در اساس التوحید میرزا مهدی آشتیانی، تهران: مولی.
- _____ (۱۳۸۱) تحریر ثانی تاریخ حکماء و عرفای متأخر، تهران: حکمت.
- طالبیان شریف، حسن؛ عربشاهی، روح الله؛ عربشاهی، محمد (۱۳۹۴) احیاگر حوزه خراسان، تهران: آفاق.
- طرب بن همای شیرازی اصفهانی، ابوالقاسم محمدنصیر (۱۳۴۲) دیوان طرب، با مقدمه و حواشی جلال الدین همایی، تهران: کتابفروشی فروغی.
- غنی، قاسم (۱۳۶۷) یادداشتهای دکتر قاسم غنی، تهران: زوآر.
- فاطمی موحد، حسن (۱۳۸۷) سینای فقاقت، قم: امیر العلم.
- قاسمی، رحیم (۱۳۹۳) «فیض نجف»، مقالات همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق، قم: مجمع ذخائر اسلامی.

گروهی از نویسندگان (۱۳۸۵) مدرس صالح، نکوداشت نیم قرن تکاپوی علمی آیت الله سید میرزا حسن صالحی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.

مالستانی، عزیزالله (۱۴۰۰) نامه اعمال، زندگینامه خودنوشت، کابل: بنیاد اندیشه.

محقق، مهدی (۱۳۸۶) «مقدمه»، در زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم حاج ملاهادی سبزواری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

_____ (۱۳۸۷) «مقدمه»، در زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم آیت الله حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

_____ (۱۳۸۹) «مقدمه»، در زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی پروفیسور ویلیام چیتیک، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

مهدوی، مصلح‌الدین (۱۳۸۶) اعلام اصفهان، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

نقدی، رضا (۱۳۸۱) «تندیس ساده زیستی؛ نگاهی به زندگانی فیلسوف وارسته آقاشیخ هادی کدکنی»، نگاه حوزه، شماره ۸۱-۸۰، ص ۱۴۳-۱۴۰.